

بررسی وضعیت اجتماعی یمن در عصر طاهریان (۹۴۵-۸۵۸هـ.ق)

محمد سپهری

استاد گروه تاریخ، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی

علی غلامی فیروزجائی

دکتری تاریخ اسلام و مدرس موسسه آموزش عالی غیاث الدین جمشید کاشانی آبیک

تاریخ دریافت: ۹۷/۵/۲ تاریخ پذیرش: ۹۷/۹/۳

چکیده

بررسی وضعیت اجتماعی کشورها و سرزمینها از جمله آداب و رسوم، جشن های فرهنگی و سیاسی، پوشش، تغذیه، بهداشت، پراکندگی اقوام و مذاهب و غیره از موضوعات مهم در حوزه تاریخ اجتماعی محسوب می شوند. مقاله حاضر، بخش مهمی از این حوزه اجتماعی جامعه یمن در عصر طاهریان (۹۴۵-۸۵۸هـ) یعنی جشن ها، بهداشت، پوشاک، اخلاق و پراکندگی اقوام و مذاهب و تغذیه را مورد کنکاش قرار داده و به توصیف و بررسی تفصیلی آن پرداخته است. نویسنده این مقاله سعی بر آن دارد به این سوالات پاسخ دهد: اوضاع اجتماعی یمن در این دوران چگونه بوده است؟ حاکمان طاهری چه نقشی در وضعیت اجتماعی جامعه داشتند؟ به نظر می رسد این آداب و رسوم مختلف اجتماعی رابطه نزدیکی با اوضاع سیاسی یک سرزمین دارند چرا که اوضاع اجتماعی، آیین شریعت سیاسی جامعه می باشد. بنابراین بر اساس اطلاعات تاریخی در این دوره جشن هایی به مناسبت های مختلفی چون تولد رسول خدا، حلول ماه مبارک رمضان، عید سعید فطر و قربان، جشن استقبال از افراد سیاسی، پوشاک و تغذیه مناسب با جغرافیای حاکم بر منطقه مورد استفاده می گرفت. این پژوهش با بهره گیری از روش توصیفی- تحلیلی و با استناد به منابع تاریخی، به بررسی وضعیت اجتماعی یمن در عصر طاهریان می پردازد.

کلید واژگان: یمن، طاهریان، وضعیت اجتماعی، جشن ها، آداب و رسوم.

مقدمه

بین اوضاع اجتماعی و اوضاع سیاسی یک سرزمین پیوستگی نزدیکی وجود دارد چرا که اوضاع اجتماعی آینه شرایط سیاسی جامعه می باشد. اوضاع اجتماعی یعنی بررسی خوراک، پوشاک، مسکن، آداب و رسوم دینی و غیر دینی، بهداشت، ازدواج، ترکیب اجتماعی جامعه و موارد دیگری که مرتبط با یک جامعه و مردم آن است. اما این نکته پیداست که به علت کمبود اطلاعات تاریخی، بررسی کامل شرایط و اوضاع اجتماعی یمن در عصر طاهری دشوار می باشد. بنابراین به مقدار آنچه برخی منابع تاریخی عصر طاهری اشاره کرده اند به بررسی آداب و رسوم اجتماعی و دینی یمن در عصر طاهریان می پردازیم.

از ویژگیهای کشور پهناور، متمدن و کهن سرزمین یمن، برخورداری از تنوع قومی و مذهبی می باشد. اقوامی همچون عرب، حبشی، یهود، هندو و مسلمانان و یهودیان و کفار که هریک دارای آداب و آیینهای پر جاذبه ای بوده در این سرزمین حضور داشته اند. شناخت آداب و رسوم مسلمانان، ساکنان و حاکمان یمن، نوع پوشاک، تغذیه، عادات و اخلاق و غیره در عهد طاهریان حائز اهمیت است. این مقاله در پی بررسی وضعیت اجتماعی جامعه یمن در یکی از دوره های تاریخی یعنی عصر طاهریان (۹۴۵-۸۵۸هـ) است. بیشتر مسلمانان یمن در عهد طاهری از زیدیان و اهل سنت و پیرو مذهب شافعی بودند و در مناسبتهای مذهبی همچون اعیاد فطر و قربان یا ماه مبارک رمضان و غیره برنامه های خاصی را با آداب و رسوم مخصوص به خود برگزار می کردند، که بسیار معنوی و جذاب و هم چنین همراه با اسراف اموال بوده است. دولت طاهریان در یکی از مهمترین دوره های قرون میانی و همزمان با حکومت ممالیک مصر، امپراتوری عثمانی و دولت صفویه ایران در این سرزمین به حکومت رسید. چنانکه یمن از گذشته تا دوره معاصر برای ایران اهمیت زیادی داشته و برای تصمیم گیری بهتر نیز به شناخت تاریخی و بررسی اجتماعی این سرزمین نیاز داریم. بنابراین بررسی موضوع مطروحه ضرورت دارد. در باب پیشینه پژوهش نیز باید گفت با توجه به اهمیت یمن در عصر طاهریان و همزمانی آن با حضور و ظهور عثمانی ها و کشور استعمارگر پرتغال در خاورمیانه از جمله یمن، پژوهشی منسجم و مستقلى مبتنی بر وضعیت اجتماعی یمن در دوره طاهریان انجام نشده است و تنها مطالب پراکنده ای در برخی منابع اصلی آمده است.

تاریخ سیاسی طاهریان (حک. ۸۵۸-۹۴۵هـ)

خاندان طاهری، در شهر جَبِن و منطقه رَداع ساکن بودند. اینان در اواخر دولت رسولیان به جایگاه مهم و رفیعی رسیده و رابطه خویشاوندی و نزدیکی با پادشاهان رسولی برقرار ساختند. اما ضعف و انحلال دولت رسولیان آنان را واداشت تا حکومت و تخت سلطنت را به دست گیرند. تاریخ رسمی دولت طاهریان از سال ۸۵۸ هجری با حرکت مجاهد علی بن طاهر بن معوضه و برادرش ظافر عامر بن طاهر از شهر رَداع به سوی عدن آغاز شد و سرانجام بعد از جنگ و گریز، در شب جمعه ۲۳ رجب سال ۸۵۸ هجری وارد عدن گردیدند.

بعد از تثبیت اوضاع در عدن، ملک مجاهد به سرعت به سوی جَبِن رفت و سربازان را جمع و به سمت تعز حرکت و سپس از آنجا به شهر زبید متمایل گشت و توانست در سال ۸۵۹ هجری بدون جنگ و خونریزی وارد آن شود. اما علیرغم سهم برابر و یکسان این دو برادر در تاسیس حکومت، ملک ظافر عامر برادر کوچکتر، بنا به خواسته مجاهد، بعد از خوانده شدن خطبه و سکه به نام وی، اولین پادشاه طاهری گردید تا این که ظافر عامر به سال ۸۷۰ هجری به دست زبیدیان کشته شد. با کشته شدن وی، ملک مجاهد به تنهایی حکومت یمن را به دست گرفت و به بازگرداندن امنیت به کشور و برخورد با شورش های داخلی قبایل و همین طور طغیان خاندان طاهری پرداخت. او دائماً بین شهرهای عدن، تعز و زبید در حال رفت و آمد بود و تلاشی جهت جنگ با زبیدیان انجام نداد. تا آنکه در ماه محرم سال ۸۷۷ هجری ملک مجاهد زمام حکومت را به دلیل بیماری ای که به آن عارض شده بود به برادرزاده خود، ملک عبدالوهاب بن داود ملقب به منصور، سپرد؛ اما وی مدتی بعد، سلامتی اش را بازیافت و تا زمان وفاتش یعنی سال ۸۸۳ هجری بر یمن حکومت نمود. بعد از مرگ ملک مجاهد نیز منصور حکومتش را با حرکت به سمت عدن آغاز و پایه های حکومتش را محکم ساخت. ملک منصور در دوران حکومت خود اقدامات مهم و با ارزشی از جمله تقسیم عادلانه آب های دشت زبید، ساخت تعدادی مدارس و مساجد انجام داد. بعد از مرگ وی در سال ۸۹۴ هجری در شهر جَبِن، فرزندش ملک عامر بن عبدالوهاب ملقب به ظافر دوم (۹۲۳-۸۹۴هـ) حکومت را بر عهده گرفت. وی بزرگترین پادشاه دولت طاهری محسوب می شود که حکومتش از دیگر حاکمان طاهری بیشتر بود. ظافر عامر دوم حکومتش را با سرکوب شورش درون خاندانی و طغیان های قبایل آغاز نموده و توانست سلطه و قدرتش را بر تمام یمن به استثنای سرزمین های تحت سلطه زبیدیان هم چون مناطق شمالی بویژه ذمار و صنعاء بگستراند اما طولی نکشید که ظافر به سمت

سرزمین های تحت سلطه زیدیان لشکر کشید و در سال ۸۹۵ هجری ذمار و در سال ۹۱۰ هجری صنعاء را فتح کرده و زیدیان را دست نشانده خود در این مناطق ساخت. بدین ترتیب دولت طاهریان در زمان حکومت ملک ظافر دوم به نهایت گستردگی اش رسید. ولی ظافر عامر دوم با پایانی تراژدیک روبرو شد چرا که به همراه برادرش در سال ۹۲۳ هجری به دست سربازان ممالیک مصر که برای مقابله با کشور استعمارگر پرتغال به سمت هند راهی بودند، در دروازه های شهر صنعاء کشته شد. دولت طاهری بعد از مرگ وی دچار آشوب سیاسی شد به همین دلیل برخی از پژوهشگران معاصر معتقدند که کشته شدن ملک ظافر دوم پایان دولت طاهری بوده است. اما باید گفت که بعد از او عده ای از پادشاهان ضعیف حکومت را در دست گرفتند و آخرین آن نیز عامربن داود بود که در سال ۹۴۵ هجری به دست سلیمان پاشا خادم فرمانده لشکر عثمانی کشته شد. بدین ترتیب دوران افول دولت طاهریان که بعد از مرگ ملک ظافر عامر دوم آغاز شده بود، به طور رسمی در سال ۹۴۵ هجری به پایان رسید.

بررسی وضعیت اجتماعی یمن در عصر طاهریان

بیشتر آداب و رسوم اجتماعی جامعه یمن در عصر طاهریان رابطه نزدیکی با دین، مذهب، جغرافیا و شرایط اقتصادی ساکنان این سرزمین داشته است. با توجه به نزدیکی و قرابت جغرافیایی و فرهنگی عمیق میان یمن و حجاز، بی شک آداب رسوم اجتماعی مردم یمن بسیار شبیه عاداتها و آداب و رسوم شهرهای مختلف حجاز می باشد. برخی از مهمترین این موارد عبارتند از: ۱- جشن های مختلف ۲- پوشش و لباس ۳- خوراک و تغذیه ۴- اخلاق ۵- ترکیب اجتماعی جامعه.

جشن ها

یکی از پدیده های اجتماعی مهم عصر طاهریان جشن های زیادی بوده است که به مناسبت های مختلف و بیشتر بوسیله حاکمان طاهری انجام می شد. هر چند باید گفت که این مراسم های باشکوه که همراه با زرق و برق بسیاری نیز همراه بوده است فقط به هنگام شادی برگزار نمی شد بلکه در زمان سختی ها و مشکلات نیز برگزار می شد. چنانکه به هنگام وقوع جنگهای خارجی یا در زمان قطع نزول باران نیز مراسم باشکوهی برپا می کردند. اما باید گفت این مراسم های باشکوه نیز بخش مشخصی از شرایط اقتصادی جامعه یمن عصر طاهری و سطح رفاه آنان را منعکس می کند و علی رغم اینکه بخشی از درآمدهای دولتشان را نیز به گسترش و بهبود حیات علمی و آبادانی کشور

همانند ساخت شهر مقرانه، بهبود و توسعه بعضی از خانه ها و قصرها مثل دارالسعادة، بنای مدارس چون منصوریه و وهابیه تخصیص داده اند، ولی در مقابل، نشانگر دامنه و میزان اسراف است که سلاطین طاهریان در پیش گرفته بودند و حتی می توانیم این را یکی از دلایل ضعف و سقوط این دولت به شمار آوریم.

جشن های ماه مبارک رمضان

از جمله آداب و رسوم دینی مردم یمن در همه دوره های اسلامی به طور عام و در دوره طاهریان به طور خاص، جشنهای ماه مبارک رمضان بوده است. مردم یمن دو روز قبل از فرارسیدن ماه مبارک رمضان به استقبال و پیشواز این ماه می رفتند. جشن هایی برای روئیت هلال ماه و آغاز ماه مبارک رمضان برگزار کرده و بعد از آگاهی از آغاز ماه مبارک پلاکاردها، ریشه ها و تزئین های بسیاری بر در و دیوار و بام خانه ها نصب می نمودند. طبل و دایره ها به هنگام آغاز ماه به صدا در می آمد و مردم بعد از نماز عشاء، طی نشستی تا پایان شب و آغاز وقت سحر به خواندن اشعار و ذکرها می پرداختند.

اما حاکمان طاهری بر خلاف مردم یمن، در اوایل هر ماه رمضان، سفره افطاری می انداختند و در آن رؤسای قبایل دعوت می شدند و جشنی نیز در شب ۲۷ ماه رمضان که بیشتر ختم قرآن در آن شب بود، برگزار می شد. چنانکه ملک مجاهد علی بن طاهر در ۲۷ رمضان سال ۸۷۷ هجری جشنی به مناسبت ختم قرآن، در شهر زبید برقرار کرد و با تهیه سفره طعام و غذاهای بسیاری مردم را به آن دعوت می کردند. حتی برادرزاده او، شیخ یوسف نیز، سفره دیگری در ۲۱ رمضان همان سال به مناسبت ختم قرآن، در خانه خود بر پا کرده بود. می توان نتیجه گرفت این تفاوت در برگزاری مراسم ماه مبارک رمضان به قدرت سیاسی حاکمان طاهری و همچنین توانایی بالای اقتصادی آنها در برپایی این چنین مراسم های باشکوهی باز می گردد.

جشن ختم قرآن و کتابهای دینی

در عصر طاهری رسم بر این بوده است که در مساجد، جشنی به مناسبت ختم قرآن کریم برای کودکان حافظ قرآن و نیز ختم این کتاب الهی در ماه مبارک رمضان و ماه های دیگر برگزار

گردد. در این مراسم ها بعد از ختم قرآن، میان فقرا و نیازمندان صدقات توزیع می کردند. بارزترین مثال بر این سنت حسنه کاری بوده است که شریف احمدبن ابوبکر بن عبدالله عیدروس^۱ پس از ختم قرآن کریم انجام داد. ملک منصور تاج الدین عبدالوهاب بن داود بن طاهر (۸۹۴-۸۸۳هـ) نیز سفره بسیار بزرگی در شهر زبید درخانه ای بسیار وسیع و مجلل برپا کرد و گروه هایی از مردم در آن گرد آمدند و با قرائت شیخ فاضل جمال الدین محمد عبدالسلام ناشری به ختم قرآن مشغول شدند. همچنین در این دوره به مناسبت ختم صحیح بخاری و صحیح مسلم نیز جشن برپا می شد. سپس این سنت تعمیم یافته و گسترده تر شد چرا که علما و فقهای صوفیه به مناسبت ختم کتاب های ویژه ای مانند احیاء علوم الدین غزالی برای شاگردان خود ولیمه تدارک می دیدند و مردم را نیز به آن دعوت می کردند. اما مطلب قابل ذکر و مهم اینکه منابع تاریخی عصر طاهری درباره برپایی جشن های ماه محرم به مناسبت آغاز سال قمری مطلبی نیاورده اند. می توان گفت سلاطین طاهری تمایل نداشتند که این جشن با جشن های یهودیان و مسیحیان که در ماه محرم شروع می شد تداخل ایجاد کند و به نوعی می خواستند از آنها پیروی نکنند و یا اینکه با توجه به درگیری های داخلی و قبیله ای و درون خاندانی که طاهریان با آن مواجه بودند نمی خواستند با برگزاری جشن و پایکوبی در این ماه که برای شیعیان زیدی ماه سوگواری و عزا بود برخوردی ایجاد شود.

جشن های سیاسی

^۱ - ابوبکر بن عبدالله عیدروس (۸۵۱ - ۹۱۴هـ): وی از بزرگترین و مشهورترین صوفیان یمن در دوره طاهریان بوده است که در سال ۸۵۱هجری در شهر تریم به دنیا آمد و رابطه نزدیکی نیز با امرای طاهری داشت. عیدروس توجه خاصی به آثار غزالی و ابن عربی داشت و می توان گفت که این کتاب ها نقش بزرگی در تکوین شخصیت صوفیانه وی بازی کردند. عیدروس از رهبران تصوف یمن بوده است و مرکز صوفیانه وی ارتباط نزدیکی با حاکمان طاهریان بخصوص عامر بن عبدالوهاب داشته است و مورد حمایت بسیار حاکم طاهری بود. به همین دلیل عیدروس در قصاید و اشعار خود از ملک ظافر عامر بن عبدالوهاب بسیار مدح کرده است و درباره فتوحات و پیروزی های او اشعاری سروده است. وی سرانجام نیز در سال ۹۱۴هجری در دوره این حاکم طاهری در عدن وفات یافت. از جمله تألیفات وی، دیوان شعر صوفیانه به نام دیوان محجه و حجه الناسک است. (ر.ک: عبدالله محمد الحبشی، (۱۹۷۶/۱۳۹۶)، الصوفیه و الفقهاء فی الیمن، صنعاء: مکتبه الجیل الجدید، صص ۳۳۵-۱۹؛ امین احمد السعدی، (۲۰۰۸/۱۴۲۹)، الصوفیه فی حضرموت: نشاتها و اوصلها و آثارها، الریاض: دار التوحید للنشر، صص ۱۳۲-۱۳۱؛ محمد بن عمر طیب بافقیه، (۱۴۱۹)، تاریخ الشجر و أخبار القرن العاشر، صنعاء: مکتبه الارشاد، چاپ اول، صص ۸۴؛ عبدالله محمد الحبشی، (۲۰۰۴)، مصادر الفكر الاسلامی فی الیمن، ابوظبی: المجمع الثقافی، صص ۴۲۶.)

از دیگر آداب و رسوم اجتماعی، برگزاری جشن های سیاسی همراه با پایکوبی و بذل و بخشش هدایا توسط حاکمان و صاحبان قدرت بود؛ چنانچه حاکمان طاهری بعد از پیروزی های نظامی و سیاسی خود در جنگ ها، با اسراف و زیاده روی بسیاری به جشن و پایکوبی پرداخته و تلاش می نمودند به بهترین شکل این مراسم را اجرا کنند. به عنوان مثال ملک ظافر عامر بن عبدالوهاب به مناسبت پیروزی های نظامی سال ۹۱۴ هجری و اشغال قلعه های ظفر، العروس، الفصین و الرمیثه به برگزاری جشن و باشکوهی پرداخت. وی بعد از این موفقیت پرچم های پیروزی را بلند کرده و به خاطر آن، جشن و شادی بسیاری برپا کرده و دستور آذین بندی شهر را داد. حتی در برخی از این جشن ها سلطان طاهری اسب سوارانی از عدن را برای برپایی مسابقه اسب سواری دعوت می کرد. چنانکه ملک ظافر بعد از دستگیری و سرکوب شورش احمد بن ابی الغیث ابن حفیظ این مراسم را با شکوهی تمام برپا کرد. بخشی از این جشن های سیاسی مربوط به استقبال از حاکم سیاسی یک منطقه یا سرزمینی نیز بوده است که در این زمان حاکمان طاهری سعی می کردند تا مراسم باشکوهی مهیا کنند که احتمالاً می خواستند با این نوع استقبال، قدرت اقتصادی- سیاسی و دیپلماسی قوی خود را به مهمان نشان بدهند. این گونه مراسم ها در طول دوران حکومت طاهری استمرار داشت و حتی زمانی که دولت با حضور گروه ها و وفود های سیاسی مناطق و کشورهای دیگر روبرو می شدند این گونه مراسم را با بیشترین اسراف انجام می دادند. چنانکه ملک مجاهد علی بن طاهر به سال ۸۸۶ هجری به هنگام ورود شریف احمد بن دریب حاکم جازان و برادرش به زبید و دیدار با او این گونه استقبال انجام نمود. حتی در زمان حکومت ملک منصور نیز شریف ابوالغوایر احمد بن دریب بن خالد، حاکم جازان به همراه تعدادی زیادی از بزرگان و سپاهیان خود وارد شهر زبید شد، حاکم طاهری دستور داد تا همه وسائل و نشانه های قدرت و حکومت را نمایان سازند و به این مناسبت جشن بزرگی مهیا کرده و حتی به مردم عامی شهر زبید نیز طعام داده است. این مورد نشان از آن دارد که حاکمان طاهری در رقابت نزدیکی با شرفای منطقه حجاز و مکه داشته اند و به مناسبت های مختلفی تلاش بسیاری جهت نشان دادن قدرت خود انجام می دادند.

جشن فرهنگی (جشن کتاب) و اهمیت آن

حاکمان طاهری همانند سلاطین رسولی توجه و علاقه زیادی به علم و کتاب داشتند و به همین دلیل جشن های بسیاری به هنگام تالیف کتابی جدید و یا رونمایی از کتاب انجام می دادند. چنانکه به مناسبت خرید کتابی از خادم زرکشی از مکه با نود دینار و اهدای آن به ملک ظافر عامر

بن عبدالوهاب در سال ۹۰۰ هجری جشن باشکوهی برپا گردید. همچنین هنگامی که تاجری کتاب فتح الباری فی شرح صحیح البخاری را در سال ۹۰۱ هجری برای سلطان به زبید فرستاد جشن گرفته شد.

باید گفت که کتاب و تالیف آن برای حاکمان این دوره همانند دوره های قبل از اهمیت زیادی برخوردار بوده است. چنانکه حاکمان طاهری برای عالمان و دانشمندان عصر خود ارزش و احترام قائل می شدند و هدایای گرانقیمت را نیز به آنان می دادند. به عنوان نمونه می توان گفت: زمانی که عبدالرحمن بن علی بن دیبع شیبانی(۹۴۴هـ) مورخ عصر طاهری، کتاب بغیه المستفید فی اخبار مدینه زبید خود را به ملک ظافر عامر بن عبدالوهاب طاهری تقدیم نمود حاکم طاهری او را به حضور خود دعوت کرد و در کنار هم نشست و درباره برخی از موارد کتاب به مناظره و مناقشه پرداختند. همین امر باعث شد تا ابن دیبع به تالیف کتابی به نام العقد الباهر فی تاریخ دوله بنی طاهر تشویق و تحریک شود و زمانی که ملک ظافر از تالیف این کتاب جدید آگاه شد پاداش و هدایای زیادی به ابن دیبع داد. چنانکه ابن مورخ نیز می گوید: «ثم حصلت فی هذا التاريخ تحصیلاً عظیماً و تقدمت به الی مولانا السلطان و هم اذ ذاک بحمروسه المقرائه مقيماً و قدمته الیه فاتابتی بثواب عظیم علیه و افاض علیه من مواهب کرمه ما یقصر صوب الغمام عن عزیر دیمه و لم ازل عنده فی روض اریض وجود فائض عریض حتی اذن لی فی الرجوع الی وطنی و خلع خلعه نفیسه و اکرمنی و تصدیق علی بدمنه سلطانیه بمدینه زبید للسکنی و اعفی لی قطعه نخل بوادی زبید...»

پراکندگی اقوام و مذاهب

اطلاعات تاریخی و جغرافیایی متعددی که از دوره طاهری موجود هستند بیشتر به مباحث و موضوعاتی پرداخته اند که نقش و حضور مثبت حاکم طاهری در جامعه را به نمایش گذاشته اند و کمتر به وضعیت اجتماعی عامه مردم پرداخته اند که از جمله آنان بررسی پراکندگی اقوام و ساکنان و نوع مذهب آنان است. اما با گزارش محدود منابع می توان ذکر کرد که بیشتر ساکنین یمن، از اعراب بودند ولیکن می توان گفت به علت رفت و آمدهای تجاری و بازرگانی زیاد شهرهای ساحلی یمن با سرزمین های هند و آفریقا افراد زیادی از این مناطق وارد یمن شده و با اعراب یمنی آمیخته شدند. بنابراین می توانیم ساکنان یمن را ترکیبی از گروه های آفریقایی(حبشی)، هندی و عرب دانست. باید گفت در عصر طاهری ساکنان یمن از گروه های دینی مختلفی نیز پیروی می کردند. چنانکه بیشتر اعراب یمن مسلمان بودند و به شاخه های شیعه زیدی و سنی(شافعی) تقسیم می

شدند. از دیگر گروه های مذهبی حاضر در یمن این دروان، تاجران هندی غیر مسلمان بودند که حاکمان طاهری برای استفاده بیشتر از روابط تجاری، در مسائل دینی و مذهبی با آنان مسامحه می کردند. چنان که برای آنان معبدهایی را بنیان نهادند. این اقدام آنان باعث شده بود مراسم و آیین های مذهبی شان را با آزادی دنبال کنند و حتی مجاز بودند تا آیین ها و آداب بت پرستی شان را با آزادی انجام بدهند اما اجازه نداشتند مرده هایشان را بسوزانند. افزون بر این موارد آنان برعکس یهودی های ساکن یمن با مسلمانان در شهرهای مشترکی سکونت داشتند جز اینکه لباسهایشان با مسلمانان متفاوت بود.

دسته دیگر نیز یهودیان و مسیحیان بودند که بیشتر در شهرهای تجاری و همین طور جزایر ثروتمندی چون سُقَطْری زندگی می کردند. همان گونه که ذکر شد محل زندگی آنان با مسلمانان متفاوت بوده است. یهودیان در دوره بنوطاهر از لحاظ دینی و شرایط زندگی در آزادی و امنیت کامل به سر می بردند؛ چنانچه در تجارت نیز با مسلمانان معامله داشته اند اما مجبور بودند لباس های مخصوص به تن کرده و دستارهای سیاه بر سر بگذارند. دسته دیگر از ساکنان یمن از نژادهای آفریقایی از قبیل دناکل یا دیالکه بودند که در نواحی مختلف یمن سکنی گزیدند چرا که در ناحیه زنج و مقادشه که در اطراف شهر عدن قرار داشتند محله هایی وجود داشت که اقوام مهاجر آفریقایی در آن سکونت داشته و به تجارت برده شهره بودند.

اخلاق در جامعه یمن

در حکومت طاهری شورشها و تمرد قبایل، قیام گروه ها و دسته های مختلف اتفاق افتاد که می توان علت های آن را در ظلم و ستم فرماندهان به مردم و از بین رفتن عدالت و موارد دیگر ذکر کرد. قیام هایی که برخی از آنان موجب گسترش جرم و جنایت و سوء استفاده از قدرت توسط والی و حاکم برخی شهرها می شد. با این اوصاف در بیشتر موارد حاکم طاهری مراقب ظلم والی خود به مردم بود تا مبادا بر آنان ستم روا شود. چنانکه ابن دَبِیع می نویسد: « و فی هذه السنه (۸۶۷هـ)، افحش ابوالقاسم الحوالی فی الظلم و أمعن فتظلم به فعزله الملك المجاهد و امر باحضاره الی مجلس الشرع الشریف و من اقام علیه بینه غرمه ثم تصدق الملك المجاهد علی المظلومین باربعمائنه اشرفی ذهباً.» ملاحظه می شود که دولت طاهری شریعت را به کار برده و در اجرای قصاص گناهکاران کوتاهی نمی کردند و حتی اگر آن فرد از نزدیکترین کسانش محسوب می شد، قصاص را انجام می دادند. چنانکه ملک ظافر عامر بن عبدالوهاب به بریدن دست و پاهای چهار تن از بزرگان شهر یعنی

شیخ سراج بن خاص حمرانی، ابن فقیه علی حوایجی، فتوح بن اسماعیل محمری و محمد بن بیطار ندآف که فساد را در منطقه به اوج رسانده بودند، فرمان داده بود. مواردی از این دست در این دوره بسیار است.

باید افزود، در دوره ملک ظافر عامر بن عبدالوهاب فساد اخلاقی از جمله زنا، لواط و شراب خواری در جامعه رواج بسیاری یافت و شهرها پر از ظلم و فساد شد. این از جمله جرائمی است که ابن دَیْبَع مورخ دولت این دوره، که شاهد نابسامانی و درهم آمیختگی شرایط عمومی این دوران بود آن را بیان می کند. از جمله این نابسامانی ها می توان به سهل انگاری مردم در امور دینی و فروپاشی برخی ارزش های اخلاقی ارزشمند و ظهور اعمال غیر اخلاقی اشاره کرد. حلال شمردن برخی از محرمات و شرایط نامناسب اوضاع اجتماعی و بهداشتی نیز از دیگر مواردی بود که می توان به آن اشاره کرد. لذا ابن دَیْبَع در کتابش الفضل المزیذ درباره این اوضاع اینگونه می نویسد: «در این زمان بی حرمتی ها و عیاشی ها، شراب خواریها و گواهی دروغ دادن تا حدی رواج یافت که تاکنون به این میزان نرسیده بود تا جائیکه گروهی را دیدند که در یکی از روزهای ماه رمضان در حال نوشیدن شراب بودند. برخی از آنان نیز با همسر پدران خود رابطه برقرار می کردند آنان چنین وانمود می کردند که اوضاع چنین می طلبد برخی از پسران نوجوان هم برای انجام کارهای زشت و شرم آور به جاههای تاریک برده می شدند و همچنین در میان مردم قرص هایی که به آتش فارسی معروف بود، رواج پیدا کرد لذا با این اوضاع فقط خدا باید به داد برسد». به دنبال این امر دولت طاهری با کسانی که شراب درست می کردند و یا می فروختند برخورد کرد. چنانکه ملک ظافر عامر بن عبدالوهاب در سال ۹۰۳ هجری دستور ویران کردن خانه های شراب فروشان و شراب خانه ها را صادر کرد و شراب هایشان را جلوی درهایشان خالی کرد. سپس اقدام به کتک زدن شراب فروشان کرده و آنها را از شهر تبعید و خانه هایشان را قفل زد. آشکار است که با این شرایط نابهنجار اجتماعی جنایت بسیار شده و امنیت دولت نیز از میان می رفت که با سیاست های به موقع برخی از بزرگان و حاکمان مواجه می شد.

بهداشت

می توان گفت در یمن عصر طاهری همانند همه دوره های تاریخی وضعیت بهداشت و درمان در این مناطق و سرزمین های مشابه به دلایلی نامناسب بوده و بیشتر بیماری ها به ویژه بیماری

عفونی رایج بوده است چرا که یکی از مهمترین راه های انتقال این گونه بیماری ها آب های نوشیدنی غیر بهداشتی که از چاه ها و رودخانه های متصل به فاضلاب و یا چشمه های ناسالم می بود که معمولا این گونه آب ها نیز آلوده به میکروبهای بسیاری بودند. همینطور برای درمان این بیماری ها همانند دوره های قبل از اسلام و حتی بعد از اسلام به خرافات روی می آوردند که علم و عقل آن را نمی پسندید. این روشهای غیر بهداشتی، عدم رعایت بهداشت و همینطور استفاده از آب های میکروبی و آلوده در بیشتر دوره های تاریخی و به طور خاص در عصر طاهری موجب بروز امراض و بیماری های بسیاری می شدند. چنانکه در زمان ملک ظافر عامر بن عبدالوهاب در سال ۹۰۷ هجری موجب شیوع بیماری وبا شد که بر اثر آن مردمان بسیاری در شهر زبید جان خود را از دست دادند. یا حتی بیماری سل در سال ۹۲۱ هجری نیز در بیشتر مناطق یمن شیوع یافت که با اقدامات بهداشتی و درمانی عیسی عبد الباقی بن محمد بن طاهر درمان و مرگ و میر حاصل از این بیماری بسیار کمتر از وبای سال ۹۰۷ هجری شد. همچنین در زمان ملک عامر بن داود، آخرین حاکم طاهری به سال ۹۳۲ هجری بیماری وبا در بیشتر شهرهای یمن از جمله صنعاء شایع شد. چنانکه یحیی بن القاسم مورخ و مولف زیدی کتاب غایه الامانی فی اخبار القطر الیمانی می گوید: « و فی هذه السنه (۹۳۲هـ) وقع الوباء فی صنعاء و مخاليفها و مات منه خلق كثير من العلماء و الاعيان، منهم حاکم الامام شرف الدين، و هو القاضي العلامه محمد بن الحسن النحوی، رحمه الله تعالى.» وی در ادامه بحث خود نیز از بیماری طاعون یاد می کند که در اول شعبان سال ۹۳۳ هجری در صنعاء و اطراف آن همه گیر شد و مردم بی شماری بر اثر این بیماری جان باختند تا حدی که راه های ارتباطی بسته و بسیاری از مردگان به جای ماندند و دفن نشدند زیرا کسانی که مسئولیت کفن و دفن مردم را داشتند نیز از دنیا رفته بودند و حتی گورکنی هم پیدا نمی شد تا قبر برای درگذشتگان حفر کند. حادثه بزرگی بود که تا آخر ماه رمضان و حتی روز عید فطر نیز ادامه داشت. همچنین در سال ۹۰۶ و ۹۰۸ هجری و در زمان ملک ظافر عامر بن عبدالوهاب بیماری وبا در زبید جان مردمان بسیاری را گرفت چنانکه علما و فقها بر منابر خود دست به دعا شده بودند.

پوشش و لباس

پوشاک، یکی از نمادهای مهم هویت هر جامعه است و ارتباطی تنگاتنگ با باورهای مذهبی، ارزش ها، فرهنگ، جغرافیا، اقلیم، نوع معیشت و حس زیباشناختی آن جامعه دارد. بنابراین شکی

نیست که پوشش و لباس مردم شهرهای یمن با توجه به نوع طبقه اجتماعی، موقعیت جغرافیایی، آب و هوایی و غیره با یکدیگر متفاوت بوده است. چنانکه هر یک از شاهزادگان، قضات، سادات، طوایف مذهبی و افراد غیر بومی دارای پوشش ویژه خود بودند که آن‌ها را از سایرین متمایز می‌کرد و فقط مردم عامی و عادی لباسهای مشابهی داشتند. به طور مثال لباس‌های بازرگانان و ثروتمندان یمن بر خلاف مردمان عادی جامعه با طلا و یا نقره گلدوزی شده بود. همانطوری که در مباحث فوق نیز مطرح شد لباس‌های خارجی‌ان غیرمسلمان همانند لباسهای تاجران هندی ساکن یمن با مسلمانان متفاوت بود چنانکه آنان لباسهای بلندی می‌پوشیدند و دستارهای قرمز رنگی را روی سرشان می‌بستند.

همچنین می‌توان گفت عوامل آب و هوایی نیز بر نوع پوشش‌های مردم یمن تاثیر داشت. چنانچه در مناطق کوهستانی و سرد یمن لباسهای پشمی و کتانی رواج پیدا کرد در صورتی که در تهامه و شهرهای ساحلی با آب و هوای گرم و مرطوب لباسهای نازک و از جنس پنبه رواج یافت. فارتیما که در قرن دهم هجری از یمن دیدن کرد، ذکر می‌کند که بیشتر ساکنان شهرهای ساحلی و جزایر یمن بر روی بدن خود چیزی نمی‌گذاشتند به غیر از یک پارچه که تنها نیمه پایین تنه آنها را می‌پوشاند و بر روی سرشان نیز کلاه بزرگی از جنس علف خشک می‌گذاشتند که آنها را از آفتاب تند و سوزان آن منطقه محافظت کند

زنان شهرهای یمن نیز هنگام خروج از منزل روبند و نقاب زده و لباسهای بلندی که ارتفاعش به زمین می‌رسید به تن می‌کردند. این زنان به وسیله خلخال یا زنجیری نیز پاهای خود را می‌آراستند. مردم یمن در این دوره لباس‌هایی چون کلاه، روسری و عمامه، را از پنبه تهیه کرده و می‌پوشیدند که به عمامه‌های عدنی و پیراهن‌های سحولی معروف بودند.

تغذیه

بیشتر ساکنان یمن غذاهای خود را از محصولات خودشان تهیه می‌کردند و طبیعتاً غذای ساکنان کوه‌ها با غذای مردمان ساکن در دشتهای و سواحل متفاوت بود. چرا در کوه‌ها از گندم و جو و یا شکار حیوانات مختلف ارتزاق می‌کردند ولی ساکنان دشت و شهرهای ساحلی بیشتر غذای آنها ذرت و ارزن بود که می‌توانستند آنها را کشت و برداشت کنند. حتی می‌توان یکی از غذاهای عمده و مهم سواحل نشینان را با توجه به شغل اصلی شان یعنی دریانوردی و موقعیت جغرافیایی آنها

ماهی و امثال آن دانست.

این مجاور ذکر می کند که مردم یمن غذاهایی نیز درست می کردند که به نان فطیر معروف بود. همچنین لوبیا، شنبلیله، تخم شنبلیله و همچنین از لبنیات محصولاتی مثل دوغ برای مصرف با غذاهایشان بدست می آوردند و آنها عادت داشتند ماست و محصولات لبنی را با دست می خوردند. نان بهترین غذای آنها بود که در تنور پخته می شد. بنابراین می توان گفت منبع غذایی مردم یمن حبوبات و محصولات کشاورزی آن چون ذرت، گندم، جو، ارزن، برنج و میوه هایی چون انگور، خرما و غیره و همچنین عسل، گوشت و شیر حیوانات و پرندگانی چون شتر، گاو، مرغ و زنبور عسل بوده است.

نتیجه گیری

بررسی آداب و رسوم مختلف اجتماعی همچون برگزاری انواع جشن ها، تغذیه، پوشاک و غیره در دوره طاهریان از اهمیت زیادی برای پی بردن به شرایط کلی اجتماعی جامعه یمن این دوره دارد و می تواند نوع و سطح آسایش و رفاه جامعه را از این گونه مراسم ها، نحوه برگزاری آن و آداب و رسوم مختلف آن اتخاذ نمود. برگزاری و نحو برپایی جشن های مهم این دوره یعنی سیاسی و مذهبی و حتی فرهنگی بیشتر در اختیار حکومت و طبقه بالای جامعه بوده است و برخی از جشن های این دوره نشان از آن دارد که مردمان عادی جامعه یمن تنها در مراسم های مذهبی حضوری فعال داشتند و به مباحث فرهنگی از جمله تالیف کتاب وقعی نمی نهادند. از نتایج حاصل از این مقاله آن است که در نوع آداب و رسوم اجتماعی، جشنها، تغذیه، پوشاک، بهداشت و غیره شرایط جغرافیایی و آب و هوایی، جایگاه علمی و اقتصادی و سیاسی فرد یا افراد جامعه تاثیر می نهاد. و نکته مهم دیگر آنکه باید گفت حاکمان طاهری به اوضاع بهداشتی و معیشتی و همچنین جلوگیری از جرم و جنایت اخلاقی و اقتصادی در جامعه یمن آن دوران توجه بسیاری می نمودند.

منابع و ماخذ

۱. ابن المفضل، محمد بن ابراهیم بن شرف الدین (بی تا)، السلوک الذهبیه فی خلاصه السیره المتوکلیه، صوره مخطوط مأخوذه من مکتبه جامعه تورنتو.

۲. ابن انف، عمادالدين ادريس (۱۹۹۵)، روضه الاخبار و نزهه الامسار فى حوادث اليمن الكبار و الحصون و الامصار، تحقيق محمد بن على اكوع الحوالى حميرى، صنعاء: دارالمعرفه للطباعه و النشر.
۳. ابن ديبع، عبدالرحمن بن على (۱۴۰۹ / ۱۹۸۸)، قره العيون فى أخبار اليمن الميمون، تحقيق محمد بن على الاكوع الحوالى، صنعاء: مكتبه الإرشاد.
۴. _____ (۱۹۸۳)، الفضل المزيّد على بغيه السّتفيد فى أخبار مدينه زبيد، تحقيق يوسف شلحد، بيروت: دار العوده.
۵. _____ (۲۰۰۶/۱۴۲۸)، بغيه المستفيد فى أخبار مدينه زبيد، تحقيق عبدالله محمد الحبشى، صنعاء: مكتبه الارشاد.
۶. ابن شيبان، احمد سالم (۲۰۰۲)، الوجود المملوكى فى اليمن (۹۴۵-۹۲۱هـ)، الشارقه: جامعه عدن، دارالثقافه العربيه.
۷. ابن لطف الله، شرف الدين (د ۱۰۴۸هـ)، نسخه خطى روح الروح فيما جرى بعد المائه التاسعه من الفتن والفتوح.
۸. ابن مجاور، يوسف بن يعقوب (۱۹۹۶)، تاريخ المستبصر، صفه بلاد اليمن و مكه و بعض الحجاز، تحقيق ممدوح حسن محمد، قاهره: مكتبه الثقافه الدينيه.
۹. ابوالفداء، اسماعيل بن على (۲۰۰۷)، تقويم البلدان، قاهره: مكتبه الثقافه الدينيه.
۱۰. ايفانوف، نيقولاى (۱۹۸۸)، الفتح العثمانى للاقطار العربيه ۱۵۱۶-۱۵۷۴، ترجمه يوسف عطاءالله، بيروت: دارالفارابى.
۱۱. بافقيه، محمد بن عمر طيب (۱۴۱۹)، تاريخ الشحر و أخبار القرن العاشر، صنعاء: مكتبه الارشاد.
۱۲. بامخرمه، ابو محمد الطيب بن عبدالله بن احمد (۲۰۰۸/۱۴۲۸)، قلاده النحر فى وفيات اعيان الدهر، قلاده النحر فى وفيات اعيان الدهر، عنى به بوجمه مكرى و خالد زوارى، جدّه، دارالمنهاج.
۱۳. _____ (۱۴۲۵)، النسبه إلى المواضع والبلدان، أبوظبى: منشورات مركز الوثائق والبحوث.
۱۴. الحبشى، عبدالله محمد (۱۳۹۶/۱۹۷۶)، الصوفيه و الفقهاء فى اليمن، صنعاء: مكتبه الجيل الجديد.

۱۵. _____ (۲۰۰۴)، مصادر الفكر الاسلامی فی الیمن، ابوظبی: المجمع الثقافی.
۱۶. الحداد، محمد یحیی (۱۹۶۸/۱۳۸۸)، تاریخ المین السیاسی، قاهره: دار وهدان.
۱۷. خزرجی، علی بن الحسن (۱۴۰۱/۱۹۸۱)، المسجد المسبوك فیمن ولی الیمن من الملوك، مخطوط المصور، صنعاء: مشروع الكتاب وزاره الاعلام و الثقافه.
۱۸. السعدی، امین احمد (۲۰۰۸/۱۴۲۹)، الصوفیه فی حضرموت: نشاتها و اوصلها و آثارها، الرياض: دار التوحید للنشر.
۱۹. الشّلی، السید محمد (۲۰۰۴)، السناء الباهر بتکمیل النور السافر فی أخبار القرن العاشر، تحقیق المقحفی، صنعاء: مکتبه الإرشاد.
۲۰. شوکانی، محمد بن علی (۱۹۹۸/۱۴۱۸)، بدرالطالع بمحاسن من بعد القرن السابع، ج ۲، قسمت اول، تحقیق و حواشی خلیل منصور، بیروت: منشورات محمدعلی بیضون، دارالکتب العلمیه.
۲۱. الصایدی، احمد قاید (۱۹۹۰/۱۴۱۰)، ماده التاريخیه فی کتابات نیبور عن الیمن، سوریه: دارالفکر، بیروت: دارالفکر المعاصر.
۲۲. الضمدی، عبدالله بن علی (بی تا)، العقیق الیمانی فی حوادث و وفيات المخلاف السلیمانی، مخطوط مصور، مکتبه جامعه الملك سعود: قسم المخطوطات.
۲۳. عبدالعال، محمد (۱۹۸۰)، بنورسول و بنوطاهر و علاقات الیمن الخارجیه فی عهدهما، اسکندریه: الهیئه المصریه العامه الكتاب.
۲۴. العرشی، عبدالحکیم محمد ثابت سلام (۲۰۱۴)، الجيش فی الیمن فی عصر الدوله الرسولیه، الجمهوریه الیمن: دارالوفاق الجمهوریه الیمنیه.
۲۵. عیدروس، عبدالقادر بن شیخ بن عبدالله (۲۰۰۱)، النور السافر عن اخبار القرن العاشر، تحقیق احمد حالو، محمود الارناووط و اکرم البوشبی، بیروت: دار صادر.
۲۶. فارتیما، لودفیکو (۱۹۹۴)، رحلات فارتیما، ترجمه و تحقیق عبدالرحمن الشیخ، قاهره: الهیئه المصریه للكتاب.
۲۷. فیصلی، محمد احمد مقبل (۲۰۰۵)، تاریخ الدوله الطاهریه (۹۴۵-۸۵۸هـ)، صنعاء: الهیئه العامه للكتاب.
۲۸. کبسی، محمد بن اسماعیل (۲۰۰۵/۱۴۲۶)، اللطائف السنیه فی اخبار الممالک الیمنیه، تحقیق (ابوحسان) خالد ابایزید الازرعی، صنعاء: مکتبه الجيل الجدید.

۲۹. مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد (۱۳۶۱)، احسن التقاسیم فی معرفه الأقالیم، ج ۱، ترجمه علی نقی منزوی، تهران: شرکت مولفان و مترجمان.
۳۰. واسعی الیمانی، عبدالواسع بن یحیی (۱۳۴۶)، تاریخ الیمن المسمی فرجه الهموم و الحزن فط حوادث و تاریخ الیمن، قاهره: مطبعه السلفیه و مکتبها.
۳۱. هدییل، طه حسین عوض (۲۰۱۱)، الرق فی الیمن من القرن الثالث الی القرن السادس الهجری، مجله کلیه الاداب، العدد ۸، جامعه عدن.
۳۲. همدانی، الحسن بن احمد بن یعقوب (۱۴۱۰)، صفه جزیره العرب، تحقیق محمد بن علی الاکوع، صنعاء: مکتبه الارشاد.
۳۳. یحیی بن الحسین ابن القاسم، (۱۹۶۸)، غایه الأمانی فی أخبار القطر الیمانی، تحقیق سعید عبد الفتاح عاشور، قاهره: دار الکاتب العربی.

A survey of Yemen's social status in the Tahirid's Period(858-945 A.H)

Mohammad sepehri

Central tehran branch.islamic azad university

Ali Golami firozjani

Phd in Islamic history and staff of giasoldin jashid kashani Institute of Higher Education

The study of the social status of countries and territories, including customs, cultural and political celebrations, coverage, nutrition, health, dispersion of ethnic groups and religions, etc. are among the most important issues in the field of social history. The present article explores an important part of this social sphere of Yemeni society in the era of Tahirids (945-858): celebrations, hygiene, clothing, ethics and dispersion of ethnic groups and religions, and nutrition, and has described it in detail. The author of this article tries to answer these questions: How was the social situation in Yemen during this period? What was the role of the Taheri rulers in the social status of the society? It seems that these social customs are closely related to the political situation of a land, because the social situation is the mirror of the political conditions of the society. Therefore, according to historical information, during this period, celebrations of various manifestations such as the birth of the Prophet, the feast of the holy month of Ramadan, Eid al-Fitr and Qurban, were used to celebrate the welcome of political people, clothing and nutrition appropriate to the geography of the region. This study uses a descriptive-analytical method and, based on historical sources, examines the social status of Yemen in the era of Tahirids.

key words

Yemen, Tahirids, social status, celebrations, customs